

The Structure and Function of the City of Shanb-e-Ghazan Based on Historical Texts

Azita Balali Oskoyi*¹, MohammadAli Keinejhad ², Vahideh Ghasemi Shadbad ³

1. Associate Professor of Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran
2. Professor of Faculty of Civil Engineering, Sahand University of Technology, Tabriz, Iran
3. Graduate of Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2020/07/11;

Accepted: 2020/11/17;

Published Online 2020/12/30

 10.30699/athar.41.1.1

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Azita Balali Oskoyi

Associate Professor of
Faculty of Architecture and
Urban Planning, Tabriz
Islamic Art University,
Tabriz, Iran

Email:

a.oskoyi@tabriz.ac.ir

ABSTRACT

The Ilkhani period was the onset of building architectural complexes and the independent urban spaces called 'Abwab-al-berr', inspired by sacred and blessed places, as well as scientific and educational centers, which are in fact a combination of religious scientific collections. Shanb-e-Ghazan was the premiere in 'Abwab-al-berr' +phenomenon category in the urbanization of Ilkhani era, of which at this moment there has not been anything left out. Therefore, the main issue of the present article was to discuss the space organization of the city of Sangb-e Ghazan and its features based on historical documentation. Using historical analysis method, the present paper, referring to the historical texts of historians and tourists, has tried to recapture the image of the city of Sangb-e Ghazan and its structure. Studying the subject, we are faced with a regular and coherent set of rovers in which all urban uses are taken into account. Despite the various buildings, the tomb of Ghazan Khan is the main core of the set; the city has a predetermined map with a tower and gate, and the tomb of Sultan with its dome at the center of the complex: the buildings of Abwab-al-berr' are located on the sides of the tomb. Sangb-e Ghazan was also connected to the World Trade Network of the Tabriz market, and the market included a caravanserai, a row of cellars and several yards and dispersed Kooshks amongst the beautiful gardens and a variety of public utilities.

Keywords: Shanb-e-ghazan, Historical texts, Space organization, Tomb

Copyright © 2020. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Balali Oskoyi O, Keinejhad M A, Ghasemi Shadbad V. (2020). The Structure and Function of the City of Shanb-e-Ghazan Based on Historical Texts. *Athar*. 41 (1), 1-27

مقاله پژوهشی

ساختار و کارکرد شهر شنب‌غازان براساس متون تاریخی

آزیتا بلالی اسکویی^{۱*}، محمدعلی کی‌نژاد^۲، وحیده قاسمی شادآباد^۳

۱. دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران
۲. استاد دانشکده مهندسی عمران، دانشگاه صنعتی سهند، تبریز، ایران
۳. فارغ التحصیل دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

اطلاعات مقاله	خلاصه
دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۱ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۷ انتشار آنلاین: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰	عصر ایلخانی، سرآغازی برای تولد مجموعه‌های معماری و فضاهای مستقل شهری به نام ابواب‌البر، با الهام از اماکن مقدس و متبرک و نیز مراکز علمی- آموزشی محسوب می‌شود که ترکیبی از مجموعه‌های علمی مذهبی مذکور است. شنب‌غازان سرآغاز پدیده ابواب‌البر در شهرسازی دوره ایلخانی است که در حال حاضر از آن چیزی بر جای نمانده است؛ بنابراین مسئله اصلی نوشتار حاضر این است که سازمان فضایی شهر شنب‌غازان بر مبنای مستندات تاریخی چگونه بوده و چه ویژگی‌هایی داشته است؟ مقاله حاضر با استفاده از روش تفسیری-تاریخی و با مراجعه به متون تاریخی و دست‌اول مورخان و سیاحان، تصویر شنب‌غازان و ساختار آن را بازخوانی کرده است. در ساختار بازخوانی شده با مجموعه‌ای منظم و منسجم روبرو هستیم که همه کاربری‌های شهری در آن مدنظر قرار گرفته است. با وجود کاربری‌ها و ساختمان‌های مختلف، مقبره غازان‌خان به‌عنوان هسته اصلی مجموعه، بارز و شاخص است. این شهر با نقشه‌ای از پیش تعیین شده و دارای برج و بارو و دروازه و با محوریت مقبره ساخته شده است. مقبره سلطان نیز با گنبد ناری آن در مرکز مجموعه بوده و بناهای ابواب‌البر در اضلاع اطراف مقبره قرار گرفته است. شنب‌غازان همچنین به شبکه تجارت جهانی بازار تبریز متصل بود و بازار شامل یک کاروانسرا، یک ردیف سرداب و چندین حیاط و کوشک در میان باغ‌های زیبا و انواع خدمات عمومی پراکنده خودنمایی می‌کرد.

نویسنده مسئول:

آزیتا بلالی اسکویی

دانشیار، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

پست الکترونیک:

a.oskoyi@tabriz.ac.ir

کلیدواژه‌ها: شنب‌غازان، متون تاریخی، سازمان فضایی، مقبره

حق کپی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهینامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

بلالی اسکویی آزیتا، کی‌نژاد محمدعلی، قاسمی شادآباد وحیده. (۱۳۹۹) ساختار و کارکرد شهر شنب‌غازان براساس متون تاریخی. فصلنامه علمی اثر. ۴۱ (۱)، ۲۷-۱.

مقدمه

تکمیل مقبره و بررسی مجموعه‌های مشابه پیرامون بازه زمانی مذکور از جمله مقبره سلطان محمد خدابنده در سلطانیه- هم از لحاظ تناسبات و هم به لحاظ ساختار فضایی- طرح فرضی ارائه شده است.

روش و پرسش‌های تحقیق

هدف این مطالعه، ارتباطی ذهنی میان واقعیت‌های تاریخی شهر و فرم کالبدی آن است. روش تحقیق، تفسیری-تاریخی است؛ زیرا بر مدارک اسنادی یا منابع نوشتاری استوار بوده است. سؤال تحقیق نیز به مکان و شرایطی مربوط به گذشته پرداخته است. روش این تحقیق مبتنی بر دقت در مطالب و نکات موجود در متون تاریخی و در واقع روش تحلیل محتوا بوده است؛ در حالی که رهیافت راهبردی آن بر روش اکتشافی استوار است. در این پژوهش به سؤالات زیر پاسخ داده‌ایم:

۱. طرح و سازمان فضایی ابواب‌البر شنب‌غازان براساس متون تاریخی چگونه بوده است؟
۲. فرم معماری مقبره‌غازانی چگونه بوده است؟

پیشینه تحقیق

در حوزه مطالعاتی معماری و شهرسازی دوره ایلخانی، شناسایی سازمان فضایی شام‌غازان به دلیل بر جای نماندن آثار کالبدی و تخریب کامل آن، کمتر مدنظر قرار گرفته است. البته مطالعات اولیه ارزشمندی برای شناخت آن و همچنین چند طرح فرضی ارائه شده است. در این بخش ابتدا به بررسی این طرح‌ها برای استفاده از تجربیات و اطلاعات پیشین و سپس مقایسه و نقد آنها براساس منابع و متون تاریخی، برای رسیدن به نتیجه‌های جامع پرداخته‌ایم که پاسخ‌هایی منطقی و جامع به مجهولات و خواسته‌ها می‌دهد. در جدول ۱، نقد و بررسی طرح‌های فرضی پیشین آمده است.

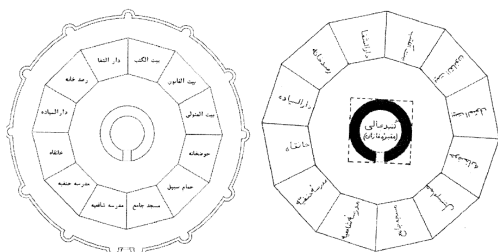
بی‌شک دین اسلام یکی از مؤثرترین عوامل ایجاد شهرک‌هایی با مرکزیت ارسن مذهبی در خارج از محدوده شهری در دوران ایلخانی است. طی این دوره، به دنبال ظهور شخصیت‌های غازی و ذهنیت متفاوت وی درباره اسلام و تغییر سنت پنهان‌سازی موقعیت مکانی مقبره ایلخان، شهرسازی ایلخانی، آغازگر سبک نوینی از مجموعه‌سازی با مرکزیت عناصر مذهبی و مشخصه بارز هم‌اندیشی در مقایسه با فضاهای کالبدی شهر و مقتضیات اجتماعی را نشان می‌دهد که تا آن زمان بی‌سابقه بوده است. اولین نمونه از این نوع در دوره ایلخانی، شهرک شام/ شنب‌غازان در غرب تبریز است که از زمان بنای تخت جمشید به بعد، در تنوع، سازمان و عظمت همتایی نداشته است (Pope, 2003, P. 172). این شهر نه تنها به سبب مذهبی، بلکه به دلیل افزایش مشکلات شهرسازی و تمرکز جمعیت در پایتخت قابل تأمل است. به دلیل تخریب کلی و از میان رفتن منبع دست‌اول تحقیق که خود مجموعه است، تنها می‌توان به مستندات تاریخی مانند سفرنامه‌ها، مینیاتورها و متون تاریخی اشاره کرد.

از آنجا که آثار فیزیکی موقوفات شنب‌غازان از میان رفته و مطالعات باستان‌شناسی به سرانجام نرسیده است، ارائه طرحی فرضی براساس وقف‌نامه‌ها و اسناد تاریخی می‌تواند راهگشای تحقیقات بعدی باشد و ما را برای شناخت این شهر و الگوبرداری از آن برای حل مشکلات جهان کنونی یاری دهد. در این پژوهش، به روش تحلیل محتوایی متون تاریخی، به تبیین ویژگی‌های شهر شنب‌غازان و بازآفرینی آن پرداخته شد. برای شروع به بازشناخت شهر شنب‌غازان به متون تاریخی و سفرنامه‌ها مراجعه و ویژگی‌های این شهر از نوشته‌های مورخان و سیاحان استخراج شد. با انطباق ویژگی‌های شهرهای ایران تا دوره ایلخانی و معماری ایلخانی و فرض بر تداوم الگوی مشابه معماری در سنت مقبره‌سازی دوره‌های پیشین ایران، همچنین افزودن مشخصات معماری ایلخانی (آذری) و رویکرد مجموعه‌سازی به جای

جدول ۱. نقد و بررسی طرح‌های فرضی پیشین

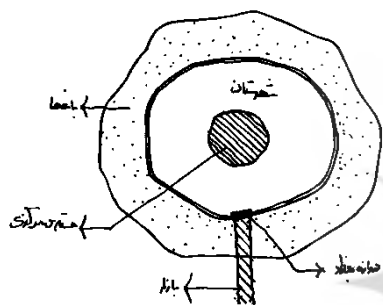
نتیجه پژوهش	نقد	طرح فرضی
	<p>۱. مینیاتور برگرفته از جامع‌التواریخ که مهم‌ترین سند مصور برای بازآفرینی در نظر گرفته شده است، شکل مقبره، بدون شکستگی در نماست که می‌تواند نمایانگر نمای مکعب یا استوانه باشد.</p> <p>۲. دیگر طرح ارائه‌شده در مینیاتور جامع‌التواریخ، نشان‌دهنده حجم هندسی عظیمی است که دارای زاویه‌بندی یا شکستی در گوشه‌هاست (Wilber, 1986, P. 136).</p>	<p>Wilber</p>
	<p>گراور ارائه‌شده توسط Shardin، نشان‌دهنده حجم هندسی عظیمی است که در یک دید روبه‌رو، هیچ‌گونه زاویه‌بندی یا شکستی در گوشه‌ها ندارد که در تعریف هندسی سایر بناها و حجم‌ها اتفاق افتاده است. همچنین می‌تواند بیانگر استوانه‌ای یا مکعبی بودن آن باشد. به این صورت، نباید مهارت هنرمند در ارائه فضاهای چندبعدی با زوایای مختلف را که در دیگر بخش‌ها نمایان است نادیده گرفت (Shardin, 1995, P. 405).</p> <p>غیاسی تحلیل روشنی از چگونگی ارائه طرح دوازده‌ضلعی برای آرامگاه نمی‌دهد و مقبره‌غازانی را بیشتر هماهنگ با تک‌مقبره‌های شمال آذربایجان مانند آرامگاه مؤمنه‌خاتون بیان کرد که دارای یک صفت سنگی چندضلعی است. فرم ساختاری فضاهای وقفی دوازده‌گانه در طرح پرفسور غیاسی شامل پلان دوازده‌وجهی منتظم است که چهار دروازه در جهات اصلی آن قرار دارد. نمای اصلی محوطه داخلی نیز شامل حجره‌هایی در دو اشکوب است؛ درحالی‌که براساس مینیاتور جامع‌التواریخ، دو وجه روبه‌روی هم که مقبره در آن وجود دارد، در مقایسه با دیگر وجه بزرگ و دارای دهنه‌های بیشتری است که یک چندضلعی منتظم برای آن نمی‌توان در نظر گرفت. همچنین مجموعه در یک اشکوب اشغال شده است، نه در دو اشکوب تا مرتفع‌سازی و عظمت‌گرایی ایلخانی در تناسبات ورودی‌ها حفظ شود (Ajurlo, 2014, P. 22).</p>	<p>غیاسی</p>
	<p>انتخاب بناهایی با اندازه و مقیاس یکسان برای کاربری‌های مختلف نمی‌تواند برای اهداف این بناها یا عام‌المنفعه باشد. شهرهای دوره اسلامی و ایلخانی معمولاً دارای یک یا دو محور ارزشمند هستند که در راستای هسته مرکزی و بازار شکل می‌گیرند (Balali Oskui, 2012, P. 59). قرار دادن دوازده ورودی برای یک مجموعه نیز قابل توجه نیست. در این بازآفرینی حصار برای شهر شنب‌غازان در نظر گرفته نشده است؛ درحالی‌که از متون و سفرنامه می‌توان استنباط کرد که شهر دارای حصار بوده است.</p>	<p>Moradi, Musavi Haji & Omrani</p>

طرح فرضی نقد نتیجه پژوهش



در این طرح تنها شکل گنبد مقبره بررسی شده و درواقع نقدی بر طرح ویلبر از مقبره غازان خان است. بناهای اطراف و کل شهر و اصول شهرسازی ایلخانی و شهرسازی اسلامی ایران و شهرهای معاصر شنبغازان نادیده گرفته شده است. در این طرح‌ها جهت قبله برای بناهای مذهبی مانند مسجد و خانقاه رعایت نشده است (Shekari Niri, 2005, P. 79).

Shekari Niri



در این طرح به جهت اینکه مطالعه موردی شهر ربع رشیدی است تنها یک طرح شماتیک بدون پرداخت به جزئیات اکتفا شده است (Balali Oskui, Keinejhad & Noghrekar, 2012, P. 51).

Balali Oskui, Keinejhad & Noghrekar

برده شده است که اینها دلایلی بر وجود برج و بارو و حصار بر دور این شهر بوده است.

۲. در این طرح‌ها جهت قبله رعایت نشده است؛ زیرا مسجد و مقبره هرکدام به سویی ساخته شده است و این امکان‌پذیر نیست؛ چراکه در کل متون این دوره اهمیت جهت قبله تا آنجاست که از «قبه قبلی» نام برده می‌شود.

۳. در این طرح‌ها تعدد دروازه‌ها دیده می‌شود که بنا به دلایل امنیتی یک شهر مثل شنبغازان نمی‌تواند این تعداد دروازه داشته باشد. به علاوه در متون تاریخی نیز به این دروازه‌ها جز یک دروازه اشاره نشده است (Kiani, 1987, P. 255).

۴. شنبغازان یک باغ‌شهر بوده است و یکی از دلایل انتخاب این محل از طرف ارغون خان و سپس غازان خان

جمع‌بندی نقد طرح‌های قبلی براساس متون تاریخی

بیشتر طرح‌های ارائه‌شده برای شنبغازان شامل نقدهای مشترک است که در ادامه بیان شده است:

۱. شنبغازان نیز مانند شهرهای معاصر خود دارای حصار و برج و بارو بوده است که در هیچ‌یک از طرح‌ها (به استثنای طرح آقای غیاسی) به آن اشاره‌ای نشده است (در دوره صفویه، عثمانیان از شنبغازان به‌عنوان قلعه نظامی و اردوگاهی برای سربازان خود استفاده کرده بودند) (Türkman Monshi, 1984, P. 822)؛ همان‌طور که Çelebi ذکر می‌کند شهری که ساختمان‌های آن گنجایش چهار هزار سرباز را دارد (Çelebi, 1935) یا در کتاب تاریخ کردستان نوشته بدلیسی در زمان شاه طهماسب از شنبغازان با عنوان قلعه شنبغازان نام

امروزی در غرب تبریز منطبق است (Hamadānī, 1989, P. 208).

جاده اردبیل-ری در ایجاد راه‌های درون‌شهری شنبغازان مؤثر بوده است. این جاده در واقع از دروازه باغمیشه واقع در شرق تبریز آغاز و به دروازه گجیل منتهی می‌شد. همچنین به آن مسیر اردبیل-مراغه نیز گفته می‌شد که در امتداد خود به عتبات عالیات می‌رسید. از سوی دیگر در دوره ایلخانی، این مسیر موجب رشد بازار در پیرامون آن و به سمت جنوب غربی شهر شده بود (Balilan Asl, 2009, P. 50). با انطباق دروازه‌های نام‌برده در تاریخ و صاف و نزهه/قلوب چنین نتیجه می‌گیریم که می‌توان حدود دروازه عراق را در منتهی‌علیه شرقی مهران‌رود، در مسیر جاده اوجان تعیین کرد. محل دروازه بغداد یا سردرود در جنوب غربی بارو در امتداد راه شنب و دروازه روم یا شام در شمال غرب بارو متصل به مسیر دروازه ویجویه بود. دروازه آران نیز مستقر در سمت شمال بارو اندکی به سمت غرب در امتداد جاده متصل به پل آجی‌چای در مسیر دروازه‌های قلعه، طاق و سنجران و دروازه خراسان یا سراورود (سراب‌رود/تلخه رود) در شمال شرق باروی غازی در امتداد دروازه باب‌اعلی و جاده منتهی به تلخه‌رود واقع بودند که از میان کوه‌های سرخاب می‌گذشته است (Mohammadmoradi & P. 98, Jafarpour, 2013).

در جامع‌التواریخ آمده است: «غازان‌خان در محله شم نیز شهری بزرگتر از محوطه قدیم تبریز واقع در غرب آنجا، موسوم به غازییه بنا کرد و دستور داد تا تاجرانی که معمولاً از روم و فرنگ می‌آمدند، کالاهای خود را در بارانداز آنجا عرضه کنند» (Hamadānī, 1994, P. 1373).

آب و هوای مطبوع و باغ‌ها و مرغزارهای آن بوده که در طرح‌ها به آن پرداخته نشده است (Hamadānī, 1989, P. 117).

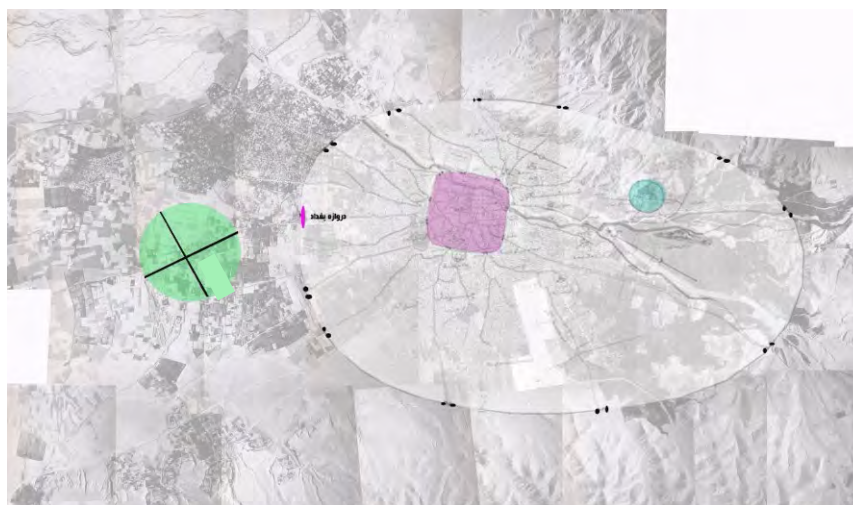
۵. شهرها معمولاً یک محور قوی و واحد داشتند که بازار و معبر اصلی شهر در آن مسیر قرار داشته است، اما در این طرح‌ها چند محور ارزشمند مساوی دیده می‌شود (Ibn Battuta, 1991, P. 53).

۶. در طرح‌های ارائه‌شده، معمولاً یک فضای باریک ۱۲ ضلعی طراحی شده است که هر ۱۲ ضلع دارای ابعاد یکسانی است و مانند یک رواق به نظر می‌رسد تا فضاهای معماری دارای کاربری‌های گوناگون؛ زیرا ابواب‌البر دارای بناهایی با کاربری‌های مختلف بوده است که در هر کدام فضاهایی با مقیاس‌ها و اندازه‌های مختلف نسبت به عملکرد فضا پیش‌بینی شده بود. در نظر گرفتن فضاهای یکسان برای بناهای مختلف از نظر عملکرد، در روزگاری که به کوچک‌ترین مسائل فکر می‌شده است، مناسب نیست.

همه طرح‌های فرضی ارائه‌شده برای مجموعه ابواب‌البر غازی مشترکاتی دارد، اما هر یک از ارائه‌دهندگان با استنباط خود و توجه ویژه به یک بعد آن طرحی ارائه کرده‌اند. در این قسمت نکات درست و اشتباه هر یک از طرح‌ها یافت شد و با ادغام با دانش معماری و شهرسازی دوره ایلخانی در مقایسه با ارائه یک طرح دقیق‌تر و درست‌تر براساس متون تاریخی اقدام شد.

موقعیت مکانی شنبغازان

به گواه مستندات تاریخی، شنبغازان در جنوب غربی تبریز دوره ایلخانی واقع بوده است که بر محله شام‌غازان



شکل ۱. موقعیت شنبغازان نسبت به تبریز و دروازه بغداد
منبع: نگارندگان



شکل ۲. راه‌های اصلی شهر شنبغازان در امتداد راه‌های فراشهری
منبع: نگارندگان

جنوب غربی به سمت عتبات عالیات و یک محور شمال غربی- جنوب شرقی به سمت روم بوده است.

سازمان فضایی ابواب البر شنبغازان

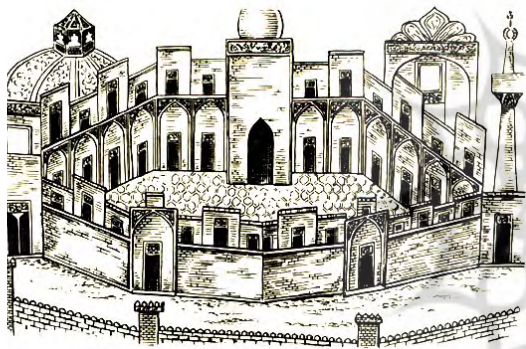
ابنیه شنبغازان دارای طرحی از پیش تعیین شده بود که هریک از طرح کلی شهر تبعیت می کردند و در این طرح کلی هسته مرکزی شکل دهنده به فضاها مقبره غازان خان بود. در اطراف بنای مقبره ابنیه و عمارات بسیاری ساخته و ضمیمه

با توجه به گفته Hamadānī مبنی بر عرضه کالای تجار رسیده از روم در شنبغازان و همچنین دروازه روم در تبریز که در سمت شمال غرب است، باید در شنبغازان از سمت شمال غرب راهی تجاری با کاروانسرا و بازار با حجره‌های متعدد برای باراندازی وجود داشته باشد که تا مرکز شنبغازان و از آنجا تا دروازه منتهی به تبریز ادامه داشته باشد؛ بنابراین شهر شنبغازان یک محور شمال شرقی-

از دروازه‌های شهر جدید، کاروانسرا و بازار و گرمابه‌ای برای مسافران ایجاد کنند (Hamadānī, 1920, P. 1001).

حصار، برج و بارو

مطالعه شهرهای ابواب‌البر هم‌دوره با شنب‌غازان نشان می‌دهد بناهای ابواب‌البر^۱ (Balali Oskui, Keinejhad & Noghrekar, 2010, P. 67) حصارى به دور خود داشته‌اند که در مینیاتور جامع‌التواریخ ترسیم شده است. نوشته‌ی Chalabi «... محمود غازان یک قلعه بسیار محکم و متین در این محل بنا کرده است...»^۲ نیز با این گفته هم‌خوانی دارد.



شکل ۴. مینیاتوری از شام‌غازان برگرفته از جامع‌التواریخ
منبع: Paskaleva, 2012



شکل ۳. مینیاتوری از شام‌غازان برگرفته از جامع‌التواریخ
منبع: Paskaleva, 2012

۲. در جامع‌التواریخ، از شنب‌غازان شهری با حصار محکم، مناره‌ها و مساجد نام برده شده است (Hamadānī, 1994, P. 1374).

۳. در تاریخ مبارک غازانی آمده است: «شهری دیگر... چنانکه ابواب‌البر و اکثر باغات آن محیط است»

بود و چون از حیث کثرت باغات و خضر اوات شبیه به شام (دمشق) بود نامش را شام گذاشته‌اند. محمود غازان یک قلعه بسیار محکم و متین در این محل بنا کرده است» (Nakhjevani, 1971, P. 29).

مقبره کردند که اسامی آنها بدین‌قرار است: مسجد جامع، مدرسه شافعیه، مدرسه حنفیه، خانقاه جهت درویش، دارالسیاده برای اقامت سادات، رصدخانه برای بروج و تعلیم علم هیبت، دارالشفای و مریض‌خانه، کتابخانه و قرائت‌خانه، بیت‌القانون که محل کتب قوانینی بود که در زمان غازان خان وضع شده بود، بیت‌المتولی که چندین مأمور مشغول تدبیر منزل و تربیت مصالح آن و نشان‌دادن منزل به واردان بودند، حکمیه برای اقامت حکما و تعلیم و تدریس علم حکمت و فلسفه، بستان و کوشک عادلیه، حوض‌خانه حمام برای مسافران و ابن‌سبیل. غازان همچنین دستور داد بر در هریک

در ادامه دلایلی مبنی بر اینکه حصار دیگری گرداگرد شهر را احاطه کرده بود، بیان شده است:

۱. در شهرهای هم‌دوره مانند سلطانیه، ربع رشیدی و تخت سلیمان حصارى بر شهر کشیده شده بود.

۱. آنچه در سلطانیه تحت عنوان حصار ارگ شناخته شده که گنبد سلطانیه در سمت جنوب غربی آن جای گرفته است یا براساس وقفنامه و بازآفرینی ربع رشیدی، ربع با حصارى از اطراف جدا می‌شده است.

۲. وی روزی را که به تماشای شام‌غازان و مقبره غازان خان رفت چنین به تصویر می‌کشد: «این محل در عهد محمود غازان شاه باغ ارم مثال

باید شنب‌غازان یک حصار و باروی مستحکم و دروازه داشته باشد تا هم به‌عنوان شهر تجاری که تجار قبل از ورود به تبریز باید از آن عبور کنند و هم برای استفاده به‌عنوان محلی مستحکم به‌عنوان قلعه نظامی قابلیت داشته باشد. همچنین در مینیاتور برجای‌مانده از جامع‌التواریخ حصار و باروی شهر دیده می‌شود.

ابعاد و اندازه

Nadir Mirza درباره مقیاس عمارات شنب‌غازان نوشته است: «من آن سال که به تبریز آمدم آثار آن بنا دیدم و دیوارها برپا بود، گرداگرد این ابنیه نزدیک به فرسنگ بود» (Nadir Mirza, 1994, PP. 399-398). با احتساب هر فرسنگ ۱۵۷۶۰ محیط شنب‌غازان تقریباً حدود شش کیلومتر می‌شود که با گفته Hamadānī در جامع‌التواریخ مبنی بر اینکه «و شهری دیگر بزرگتر از محوطه تبریز قدیم در موضع شنب و شم نیز گویند که ابواب‌البر ساخته...» (Hamadānī, 1994, P. 1374) (و اندازه تبریز قدیم را Mustawfi «دور باروی تبریز شش هزار گام بوده است و ده دروازه دارد...») (Mustawfi, 2002, P. 122) هم‌خوانی دارد. Nadir Mirza همچنین اندازه‌های دیگری از عمارات شنب‌غازان ذکر کرده است: «در این تاریخ که سال یک هزار و سیصد و یک از هجرت است، تفصیل این بنا از قرار است که عرض می‌شود. شنب‌غازان که عبارت از مدفن و مقبره‌ی غازان خان باشد، در سمت غربی شهر و از بقعه سید حمزه الی شنب‌غازان نه هزار قدم متعارف است. دور این بنا نهصد و شصت و پنج قدم است. مدفن غازان خان در وسط این بنا واقع بوده...» (Nadir Mirza, 1994, P. 137). با استناد به حساب مذکور درباره محیط شهر شنب‌غازان، دور بنا (بناهای ابواب‌البر) معادل ۱ کیلومتر است.

در نظر بگیریم، طول بارو ۲۵.۹۲۰ متر می‌شود که تقریباً ۲۶ کیلومتر بوده و با سخن Mustawfi هم‌خوانی دارد. با این امتحان می‌توانیم هر فرسنگ را معادل ۵۷۶۰ متر فرض کنیم.

(محیط‌بودن مستلزم وجود حصار و بارویی بر دور شهر است) (Hamadānī, 1994, P. 1374).

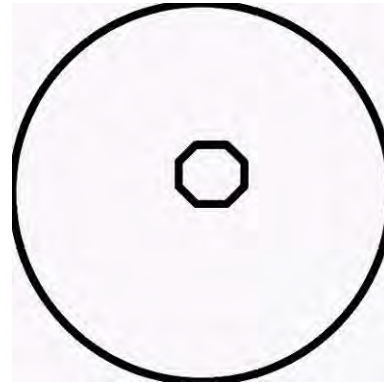
۴. استفاده امیر تیمور گورکانی و عثمانی‌ها از این منطقه به‌عنوان قلعه نظامی در دوره‌های مختلف نشان‌دهنده استحکامات در این شهر است. همچنین درباره حمله تیمور به تبریز آمده است که «تیمور سربازانی از طریق نردبان به پشت دیوار و مساعدت شنب‌غازانی‌ها فرستاده از این راه آنها را پشتیبانی می‌کند» (Brion, 1993, P. 416).

۵. شهری تجاری که بارانداز تجار رومی است، باید دارای دروازه و بارو باشد (Hamadānī, 1994, P. 1374).

۶. در عالم‌آرای عباسی می‌خوانیم: «چون عمارت شنب‌غازان تبریز که ساخته و پرداخته معمار همت پادشاه سلطان غازان است و مدارس و خوانق بر دور گنبد مقبره پادشاه مرحوم که در رفعت و بلندی مشهور جهان و از غایه ارتفاع ثانی گنبد هرمان است ساخته شده جای مستحکم است بخاطر انور رسید که مبادا رومیه آنرا مقابل کوب قلعه تبریز گردانیده بذخیر و یراق و حارس و نگهبان استحکام داده بازگردند و تسخیر آن بسهولت دست ندهد بآنجا نیز توپ و تفنگ و آذوقه و یراق کشیده فوجی از تفنگچیان قدر انداز اعتمادی را بحراست آن تعیین کردند و کسان بر سر شوارع فرستادند که رعایا مواضع قریبه سمت راه را کوچانند که از آسیب آمد شد لشکر بر کنار بوده باشند و اصلا غله و آذوقه در محال نگذارند» (Türkman, Monshi, 1984, P. 822)؛ بنابراین شنب‌غازان به‌دلیل استحکامات، قابلیت تبدیل شدن به قلعه نظامی را از طرف عثمانی‌ها داشته که پادشاه وقت دستور حراست از آن را صادر کرده است. براساس بحث صورت‌گرفته

۱. در تاریخ و صاف محیط باروی غازانی پنجاه و چهار هزار خطوه قریب چهار فرسنگ و نیم آمده است. از آنجا که هر فرسنگ برابر ۱۲ هزار ذراع است، ۵/۴ فرسنگ برابر با ۵۴ هزار ذراع است. احتمالاً و صاف طول خطوه را برابر با یک ذراع گرفته است. چنانچه هر ذراع را ۴۸ سانتیمتر

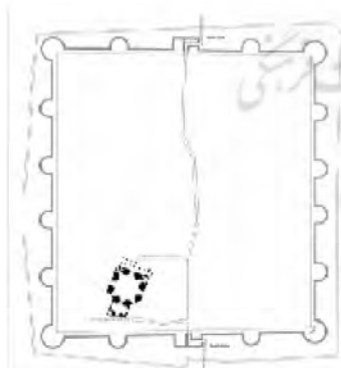
غربی آن جای گرفته و مانند مقبرهٔ غازان‌خان دارای مستحذات و ابواب‌البری بوده است که با هستهٔ مقبره اولجایتو شکل گرفته و توجهی ویژه به محل گنبد شده است؛ از این‌رو نتیجه می‌گیریم که بناهای ابواب‌البر سلطانیه نمی‌توانسته گرداگرد گنبد شکل گرفته باشد؛ زیرا فضایی برای ابواب‌البر در پشت آن وجود نداشته است؛ بنابراین بناهای ابواب‌البر در اطراف گنبد سلطانیه و چسبیده به آن و حول یک صحن شکل گرفته که مقبرهٔ عالی نیز در یک سمت آن بوده است که با مینیاتور مطراقچی نیز هماهنگی دارد. بر این اساس و به‌دلیل نبود مجموعه‌ای قبل از دورهٔ ایلخانی که تک‌مقبره در مرکز قرار گرفته باشد و همچنین تکرانشدن چنین فرمی در دوره‌های بعدی و با توجه به مینیاتور شنب‌غازان نتیجه می‌گیریم بنای گنبد عالی در یک سمت صحن^۱ چندضلعی قرار دارد که ابواب‌البر در اطراف این صحن شکل گرفته‌اند.



شکل ۵. نسبت شهر و ابواب‌البر شنب‌غازان براساس گفتهٔ **Nadir Mirza**
منبع: نگارندگان

بناهای ابواب‌البر شنب‌غازان

دربارهٔ شکل هندسی و نحوهٔ چیدمان بناهای ابواب‌البر شنب‌غازان حول گنبد عالی از نمونه‌های مشابه ابواب‌البر معاصر آن مانند سلطانیه و ربع رشیدی و همچنین نوشته‌های مورخان و سیاحان و مینیاتوران در جامع‌التواریخ استفاده شده است. در شهر سلطانیه، یک ارگ با حصار و بارو و خندق وجود داشته است که گنبد سلطانیه در گوشهٔ جنوب



شکل ۷. جانمایی گنبد اولجایتو در ارگ سلطانیه
منبع: **Brambilla**

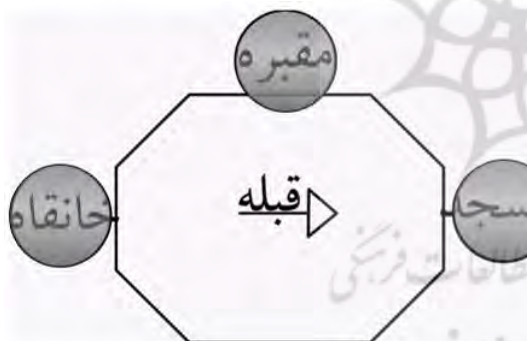


شکل ۶. گنبد اولجایتو و بناهای اطراف آن، ترسیم‌شده توسط **Metrakchi**
منبع: **Matragchi, 2000**

مدرسه شافعیه مدرسه حنفیه خانقاه دار السیادهٔ رصدخانه دار الشفا بیت الکتب بیت القانون...» (Khwandamir, 1951, P. 189).

۱. در حبیب‌السیر آمده است: «و غازان‌خان هم دران اوان متصل بان بقعه رفیعه دیگر بقاع نقاع تعمیر نمود برین موجب مسجد جامع

براساس توصیفات Chalabi، مسجد شنب‌غازان یک مناره داشته است که با مینیاتور برگرفته از جامع‌التواریخ منطبق است؛ بنابراین سمت راست مقبره که تک‌مناره اسلامی در آن دیده می‌شود، مسجد مجموعه بوده است. با توجه به اینکه گنبد و ساختمان مسجد دیده نمی‌شود، نتیجه می‌گیریم گنبدخانه مسجد در سمت راست بوده که در مینیاتور رسم نشده است. براساس جهت مسجد و قبله و رجوع به هسته تاریخی محله شنب‌غازان امروزی و بنا بر توصیف مردم که سمت چپ مسجد اعظم شنب‌غازان را محل گنبد می‌نامند، مینیاتور از ضلع جنوب مجموعه ترسیم شده است. با تحلیل گفته‌های Chalabi و در نظر گرفتن سمت قبله برای مسجد، خانقاه و مقبره، این سه بنا باید در یک جهت (رو به قبله) باشند. در مینیاتور شنب‌غازان همچنین کتیبه «لا اله الا الله محمد رسول الله»^۲ در بنای سمت چپ نوشته شده است که نشان‌دهنده یک ساختمان مذهبی است و با توجه به قبلی بودن، متعلق به بنای خانقاه است.



شکل ۸. جهت قبله و جانمایی مسجد، مقبره و خانقاه
منبع: نگارندگان

براساس این نوشته، بیت‌الکتب، بیت‌القانون و بیت‌المتولی در یک سمت و ضلع هستند. با توجه اینکه بیت‌المتولی معمولاً در سمت ورودی قرار می‌گرفته است، این سه بنا در ضلع روبه‌روی مقبره و سمت ورودی مجموعه بوده‌اند.

۲. Wilber در توصیف شنب‌غازان متن این کتیبه را «لا اله الا الله محمد رسول الله» نوشته است (Wilber, 1986, P. 136).

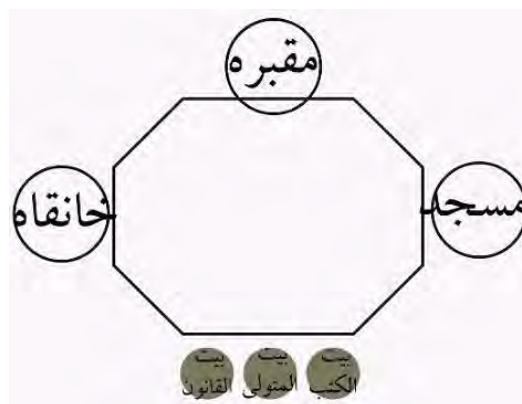
براساس خوانش، زاویه، پرسپکتیوهای مینیاتور و نقاشی به‌عنوان منبع معماری، شکل صحن چندضلعی بیشترین نزدیکی به هشتضلعی را دارد که در اطراف خود دارای رواق‌های طاق‌داری است. با توجه دقیق به مینیاتور معلوم می‌شود، دو وجه روبه‌روی هم هشتضلعی که مقبره ایلخانی نیز در آن قرار گرفته است، در مقایسه با وجه‌های دیگر طول بیشتری دارند؛ بنابراین این هشتضلعی غیرمنتظم و در جهت شرقی غربی دارای کشیدگی است. گنبد عالی نیز در مقایسه با جداره اطراف به طرف صحن پیش‌آمدگی دارد.^۱ درباره آرایش بناهای ابواب‌البر حول این هشتضلعی باید به کاربری و همسایگی بناها و نوشته سیاحان توجه شود و با تدقیق نوشته آنها و بررسی نمونه‌های مشابه، سازمان فضایی ابواب‌البر غازی به دست بیاید.

Chalabi در وصف عناصر معماری مجموعه غازی چنین آورده است: «... عمارات معظم غازی در مرکز شنب‌غازان چشم‌ها را خیره می‌سازد. گنبد آن چنان بلند است که سر گنبد به آسمان‌ها می‌خورد... یک سمت آن مسجدی است... در سمت دیگرش خانقاهی... در سمتی مدرسه‌ها... و در سمتی دیگر قصری است با بوستانش... رصدخانه در سمتی... و کتابخانه و بیت‌القانون و بیت‌المتولی در سمتی دیگر! حمام بزرگ پر از مسافرائی که تازه از راه رسیدند. دارالسیاده مسکن سیده اصالت‌دار است... دارالشفای مجهزترین مریض‌خانه‌هاست و دیگر بناهای خیریه که با نظم خاصی دو ت دور مقبره را در مرکز شنب‌غازان گرفته‌اند...» (Chalabi, 1935, P. 42). وی همچنین مسجد شنب‌غازان را در میان مساجد تبریز محسوب کرده و آن را چنین توصیف می‌کند: «... مسجد جامع سلطان محمود غازی داخل باغات محله شام‌غازان است، در اوایل بسیار محکم و آباد بود و یک مناره بلند داشت، لیکن اکنون در و دیوار آن شکسته و مخروبه است» (Chalabi, 1935, P. 16).

۱. موقعیت گنبد عالی به صحن دارای یک پیشامدگی نسبت به جداره اطراف است که در بناهای هم‌دوره مثل مسجد جامع ورامین نیز دیده می‌شود.

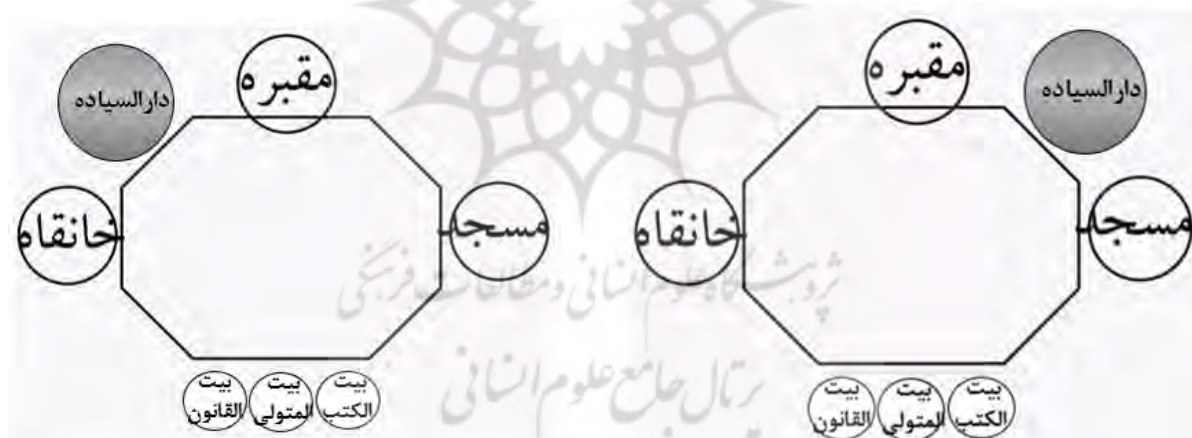
این مقبره یک تکیه بسیار عالی بود که در آن جا از دوپست نفر درویش و فقرا ساکن بودند» (Nakhjevani, 1971, P.)²⁹.

غازان خان در ساخت شنب‌غازان به نمونه‌ساخته‌های مهم دوره‌های قبل نظر داشته است. رصدخانه هم یکی از آن نمونه‌هاست که از مدنظر وی مخفی مانده است.¹ در تاریخ مبارک غازانی درباره فرم و کالبد معماری رصدخانه حرفی به میان نیامده است؛ به جز جایی که به گنبد رصدخانه اشاره می‌کند: «و به جهت اعتبار دور آفتاب گنبدی هم از طبع خویش بنا فرمود و با منجمان تقریر کرد و تمامت گفتند که هر چند چنین آلتی هرگز ندیده‌ایم، لیکن معقول است و در رصد که در جنب ابواب‌البر تبریزست شکل گنبدی ساخته‌اند که آن معانی در آن درج است چنانکه مشاهده می‌کنند» (Hamadānī, 1989, P. 174).



شکل ۹. جانمایی بیت‌الکتب، بیت‌القانون و بیت‌المتولی در مجموعه منبع: نگارندگان

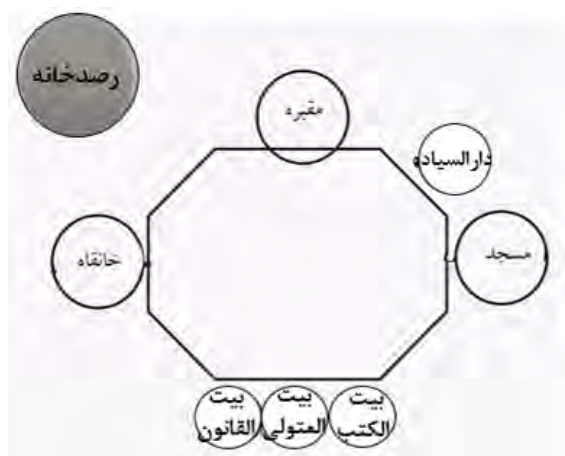
Chalabi در وصف زیارت قبر غازان خان از تکیه‌ای در جوار آن نیز یاد کرده که با توجه به داده‌ها دارالسیاده بوده است «... به اتفاق خان به داخل مقبره رفته و قبر محمود غازان را زیارت و به روح آن مرحوم فاتحه خواندیم. در جوار



شکل ۱۰. جانمایی دارالسیاده در جوار گنبد عالی مجموعه منبع: نگارندگان رصدخانه

استنباط او، چه چنان عمل در عهدی نکرده‌اند؛ و حکما گفتند ساختن آن به غایت معتذر باشد، ایشان را تعلیم و ارشاد کرد تا به امتحان نظر در آن شروع نمودند و بر وفق تعلیم او به امام رسانیدند؛ و ایشان و جمله مهندسان ماهر متفق‌اند که مثل آن کس نساخته و نشاخته...» (Hamadānī, 1989, P. 131).

۱. «شنبه پانزدهم رمضان رایت همایون به مراغه نزول فرمود و تمامت رابه تائی تمام بدبد و از کیفیت هر یک سؤال فرمود؛ و با وجود مشکلی دقائق آن، اکثر فهم کرد و فرمود که در جنب گنبد عالی و ابواب‌البر شم رصدی سازند مخصوص به چند عمل؛ و کیفیت آن اعمال را به تقریری واضح بیان فرمود و بر وجهی که حاضران حکما متعجب بماندند از حسن



شکل ۱۲. جانمایی رصدخانه در شب‌غازان
منبع: نگارندگان



شکل ۱۱. رصدخانه در شب‌غازان برگرفته از جامع‌التواریخ
منبع: Paskaleva, 2012

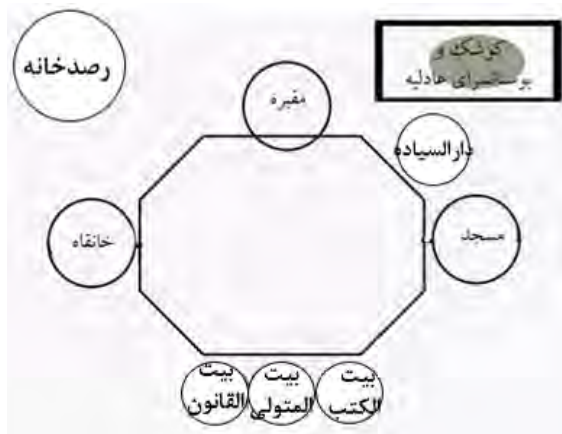
کوشک عادلیه

«بستانسرای و قصر عادلیه بر هیأتی ساخته شد که کس نظیر آندو ندیده و نشنیده بود. آنگاه قنديلها و شمعدانهای زرین و سیمین جهت آن مرتب کردند. از جمله قنديلی بود که هزار مثقال طلا وزن داشت» (Ayati, 1962, P. 211). در تاریخ مبارک غازانی کوشک عادلیه جزو بناهای ابوالبر حساب نشده و نام آن در کنار ابوالبر آمده است؛ هرچند برای کوشک عادلیه نیز از مصارف اوقاف حقی مشخص کرده است^۱: «باوقاف خاص بموجب شرط واقف بیرون اعمال ولایات و مواضع وجه عمارت گنبد عالی و ابوالبر که در دوازده ضلع آنست و کوشک عادلیه که ارغون‌خان ساخته است» (Hamadānī, 1989, P. 216).

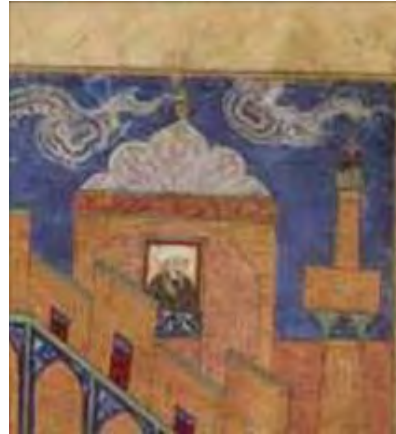
از این گفته تاریخ مبارک غازانی استنباط می‌شود که رصدخانه شب‌غازان گنبدی داشت که تعجب همگان را برانگیخته بود. با توجه به مینیاتور شب‌غازان و نوشته مذکور «رصد که در جنب ابوالبر تبریزست شکل گنبدی ساخته‌اند» شکل سمت چپ مینیاتور به رصدخانه تعلق دارد. از دیگر دلایل حاکی بر رصدخانه بودن این بنا می‌توان به فیگور انسانی در مقابل آن اشاره کرد که در حال نگاه کردن به آسمان و رصد است.

کوشک عادلیه که در زمان ارغون، پدر غازان‌خان در داخل باغ عادلیه ساخته شده بود، در دوره‌های مختلف پذیرای پادشاهان و بزرگان بوده است. در تاریخ و صاف، نویسنده بعد از توصیف معماری گنبد عالی درباره کوشک عادلیه نوشته است:

۱. مصالح آتش بیرونی بکوشک عادلیه که امراء مغول و تازی و کسانی که آنجا آیند چون زیارت کنند بان کوشک آیند و این آتش آنجا بخورند (Hamadānī, 1989, P. 217).



شکل ۱۴. جانمایی کوشک عادلیه در شنب‌غازان
منبع: نگارندگان



شکل ۱۳. کوشک عادلیه در شنب‌غازان برگرفته از جامع‌التواریخ
منبع: Paskaleva, 2012

گنبد عالی

زان بنای قبه سلطان ملک در حیرت‌اند
کین بود آیا مگر بام فلک را نردبان
پرده در گاه او را از فلک هر شب ملک
اطلس سبز مرصع می‌کشد بر آستان
(Banakati, 1976, P. 466)

گنبد عالی، آرامگاه غازان‌خان است که در زمان حیات او و به دستور خود وی ساخته شد. اعتبار این گنبد در میان دیگر ساختمان‌های شنب‌غازان به‌گونه‌ای بود که بیشتر مورخان قدیم در توصیف شنب‌غازان تنها به گنبد عالی پرداخته‌اند. درحقیقت، به‌مرور زمان آرامگاه غازان‌خان تجسم شنب‌غازان شده و دیگر بناهای شهر فراموش شده‌اند. بنا بر دلایل ذکرشده در فصل مستندات تاریخی غازان‌خان در زمان حیات تصمیم‌گیری گرفت آرامگاهی مجلل‌تر از گنبد سلطان سنجر در مرو بسازد؛ گنبدی که تا آن زمان به نوشته

درباره موقعیت قرارگیری آن در تاریخ اولجایتو به جنب گنبد عالی اشاره شده است: «پادشاه دو روز برسبیل طوی به عمارت ربع رشیدی نزول کرد، و از آنجا چون سوار شد و بر کنار شهر بگذشت و به گنبد شام رحلت و نقلت فرمود، و بر کوشک ارغون پدرش نزول فرمود که در جنب گنبد شریف غازانی است و دو روز هم آنجا اقامت نمود. و درویشان را و مستحقان را صدقات و خیرات فراوان کرد» (Kashani, 1976, P. 179).

جنب در لغت‌نامه دهخدا، به معنای پهلو آمده است. در مینیاتور برگرفته از جامع‌التواریخ نیز بیشترین شباهت به بناهای کاخی و سلطنتی و غیرمذهبی بنای سمت راست است که دارای کتیبه‌ای به مضمون «خداوند سلطنت و خلافت سلطان محمود غازان را دراز و نامش را جاویدان گرداند» است که درباره سلطنت و حکومت است و ادعای کوشک عادلیه‌بودن آن را محکم‌تر می‌کند. همچنین باید یادآوری کرد که کوشک عادلیه به همراه بستان‌سرای آن آورده شده است.^۱

۱. مقبره منوره آنکس را بکوشک عادلیه که نزدیک بقعه مذکوره بود برده از حاصل موقوفات ضیافت نمایند «(Khwandamir, 1951, P. 190).

۱. در حبیب‌السیر نیز چنین آمده است: «دیگر آنکه هرجماعت که بعد از فوت واقف هرکس از امراء مغول و اشراف تازی که او را زیارت کند خدام

جملی‌کاری از این اتاق که با پله‌های حلزونی به آن راه می‌یابند، یاد کرده است که مانند طبقه اول مقبره اولجایتو بوده است.



شکل ۱۵. ایوان مقبره سلطانیه
منبع: نگارندگان

جامع‌التواریخ «معظم‌ترین عمارت» عالم بود.^۱ مقبره غازان‌خان شامل سه فضا بوده است:

۱. سرداب؛ محل دفن سلطان است که معمولاً پایین‌تر از تراز سطح زمین بوده و طاق کوچکی داشته است و به جهت این سرداب معمولاً ورودی مقبره به قدر ۱ متر یا بیشتر بالاتر از سطح زمین بوده که با چند پله بدان می‌رسیدند.^۲

۲. فضای داخل مقبره که مردم برای زیارت و اقامه نماز و قرآن‌خواندن به آنجا تشریف می‌کردند و درواقع عمومی‌ترین فضای مقبره بود که همه می‌توانستند برای زیارت و ادای نذر به آن راه یابند.^۳

۳. اتاق زیر گنبد؛ بهترین نمونه برای معرفی فضای زیر گنبد در بناهای ایلخانی مربوط به مقبره سلطانیه است؛ بدین ترتیب که در سطح همکف بنا چهار واحد راه‌پله تعبیه شده است. راه‌پله‌های جرزهای شمال شرقی و شمال غربی که در جوار ورودی‌های اصلی قرار دارند، طبقه همکف را به ترتیب به بقیه طبقات متصل می‌کنند. در منتهی‌الیه هر راه‌پله در طبقه دوم تراس نسبتاً بزرگی تعبیه شده است که پوشش گنبدی شکل دارد. در طبقات بالاتر نیز راه‌پله‌هایی اختصاصی است و در مجموع هشت واحد راه‌پله در این بنا ارتباطات میان طبقات را تسهیل می‌کنند. درباره مقبره غازانی هم

غازان دارند هر ساله هزاران گوسفند به عنوان نذر تقدیم می‌شود» (P. Nakhjavani, 1971, 29).

۴. یک سیاح ایتالیایی که در قرن نهم یا دهم هجری به ایران آمده بود، در سیاحتنامه خود درباره عمارت شنب‌غازان چنین نوشته: «روز پنجشنبه فردای آنروز به تبریز برای دیدن برج شام‌غازان روانه شدیم یکنفر ایرانی ادعا می‌کرد که این بقیه برج بابل است یا در جای آن قرار گرفته برج عظیمی که بطول دویست قدم من ومحورش چهل قدم من بود از آجر نیمه بجا است. دیوارهای آن دوازده قدم است، ولی بدبختانه بنائی باین قشنگی مخروبه و از دو طرف شروع بریختن نموده است. صدو بیست پله بشکل حلزونی به اطاقی که در آن برج واقع شده هدایت می‌کند در دیوارهای این بنا اعداد حروفی که من نتوانستم بخوانم بخوبی از کاشی نصب شده بود و در این بنا محجری قبری را احاطه کرده که بقول ایرانیها قبر مؤسس این بنا است و نام آن میر محمود است» (این سیاحتنامه را اخوی‌زاده Nakhjavani در اروپا دیده و این قسمت را از آن کتاب یادداشت کرده است (Nakhjavani, 1971, P. 39)).

۱. «خارج شهر در جانب غربی در موضعمش خویشتن طرح کشیده آن را بنیاد نهاد و این زمان چندسال است تا بعمارت آن مشغولند و از گنبد سلطان سنجر سلجوقی بمرو که معظمت‌ترین عمارات عالم است و دیده بود بسیار باعظمت‌تر از آن بنیاد نهاده...» (Hamadānī, 1989, P. 208).

۲. و دیگر جمعه همچنین و روز شنبه شانزدهم ذی‌الحجه سنه ست و تسعین و ستمائه در میان باغ عادلیه بموضع شم بنیاد قبه عالی نهاد و در آن کار هوسی و شعفی تمام داشت همواره بر سر استادان بناء و عمله تردّد می‌فرمود چون بنیاد سرداب گنبد بر روی زمین آوردند مهندسان سؤال کردند که در چند موضع جهت روشنائی روزن بگذاریم فرمود که از بهره‌چگه گفتند تا زیر زمین روشن باشد جواب داد که روشنی آنجا ازینجا می‌باید برد و الا روشنائی عارضی آفتاب در آن موضع مرد را سودی ندهد (Hamadānī, 1989, P. 117).

۳. مردم اعتقاد عمیقی به مقبره غازان‌خان داشتند و نذر و نذورات خویش را به این مکان تقدیم می‌کردند که سند این را می‌توان جمله Çelebi دانست که می‌نویسد: «از اعتقادی که تمام مردم ایران به این محمود

۱. با توجه به اطلاعات تاریخ و صاف که برای طول دیوار ۸۰ گز ذکر می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که آرامگاه دارای کالبدی مکعبی شکل است.
۲. الگوی ساخت آرامگاه در تاریخ مبارک غازانی، مقبره سلطان سنجر معرفی شده که فرم مکعبی دارد (Hamadānī, 1989, P. 208).
۳. در مینیاتور برگرفته از جامع‌التواریخ که مهم‌ترین سند مصور برای بازآفرینی در نظر گرفته شده است، شکل مقبره، بدون شکستگی در نما برای تأکید بر چندضلعی بودن ترسیم شده و تلاشی برای نشان دادن شکل چندضلعی نشده است.
۴. دیگر طرح ارائه شده در مینیاتور جامع‌التواریخ، نشان‌دهنده حجم هندسی عظیمی است که دارای زاویه‌بندی یا شکستگی در گوشه‌هاست.
۵. دقت در طرح مینیاتور (شکل ۱۷) شکل مکعبی بنای مقبره تا زیر گنبد را نشان می‌دهد؛ زیرا دیوارهای دو طرف قبل از قوس گنبد بزرگ‌تر از محدوده گنبد ترسیم شده‌اند که معرف چپیره^۲ گنبد هستند؛ چراکه سوارشدن گنبد روی حجم چهارضلعی به کمک

در متنی از کتیبه غازانیه آمده است: «ایوان‌هایش مانند قصرهای افلاکی به صورت منزل‌ها و برج‌ها قرار داده شده است»^۱. همچنین به وجود ایوان‌ها و اتاق‌ها اشاره شده است. درباره اندازه‌های مقبره عالی توضیحاتی در تاریخ و صاف- نزدیک‌ترین مورخ به بازه زمانی ساخت غازانیه- آمده است:

«... چون دایره بنا مقداری از زمین بالا آمد دیواری از آجر بر روی آن بساختند و عرض دیوارها سی و سه آجر به هم چسبیده بود که هر یکی ده من وزن داشت که پانزده گز عدل باشد و در مسافت هر دوری چهارده هزار و چهار صد عدد خشت در کار رفت که از آن جمله سیزده هزار خشت کامل و سه هزار و چهار صد نیمه. بلندی قبه صد و سی گز و طول دیوار هشتاد گز که تا آخر سال ۷۰۲ تقریباً افزاشته شد و کتیبه و شرفات قبه ده گز و طاس قبه چهل گز بود و به هر چهار گز که بالا میرفت و داربست را نیز استوارتر بالا میبردند ده هزار دینار زر صرف میشد اما مساحت سطح دایره گنبد پانصد و سی گز باشد چه قطر دایره آن پنجاه است» (Ayati, 1962, P. 210). بنا بر دلایل زیر شکل مکعب برای آرامگاه محتمل است:

حافظ الارض بالسيف و السنان شامل الخلق بالامن و الامان، باسط بساط العدل و الاحسان، معین الدولة القاهرة، معیث الملة الزاهرة، نصره الدنيا و الدين، غازان محمود بن القان المعظم، الایلیخان الاعظم ارغون خان بن القان الاعظم، الایلیخان المعظم اباقا خان حرس الله للال ایامه علی القریب و البعید و جعل النصر و الظفر حافین بلوانه عن الیمن و عن الشمال قعید. ثم نعمده ثالثا علی ما وقفه الله تعالی لبناء هذه الخیرات و تأسیس هذه المبرات المتصلة المحیطة بهذه الروضة العلیا الرفیعة البناء المنیفة الفناء الواسعة الارجاء كالقبة الخضراء، حتی استصغر فی جنبه الهرمان و استحقق لدیه النسر و السرطان المجعول شرفاتها كقصور الافلاك منازل و ابراجا و عواطفها من انوار النیرین سراجا و هاجا، اوجها یساوی السماک و قطرها یضاهی الافلاك بل هی روضة من ریاض الجنان و فیها مغفرة و رحمة و رضوان. قد اتفق الابتداء بابتناءها فی اول شهر... (Ayati, 1962, P. 213).

۲. چپیره عمل جمع‌شدن گنبد را گویند که توسط گوشه‌سازی‌های ترمیمه چهارضلعی به هشت ضلعی و... سرانجام به دایره تبدیل شده و گنبد بر روی آن سوار می‌شود.

۱. الحمد لله القدیم الذی بقاءه دائم و وجوده واجب الکریم الذی نعماءه علی العالمین فیاض وجوده صائب. الصانع الذی دلالات وجوده بدائع الاشیاء و روابیع الغرایب و آیات جوده صنائع الالاء و سوابغ الرغایب. القادر الذی رفع السماء مزینة بزینة الكواكب و دها الارض و طدها بمراسی الاطواد الرواسی الرواسب و زینها بانوار الانبیاء المجتبی منهم محمد المصطفی: المبعوث الی المشارق و المغرب صلی الله علیهم ذوی المکارم و المناقب. ما طلع طالع و غرب غارب. حمدا لنعمه حالب و لفضله و کرمه جالب. ثم الحمد له ثانیاً علی ما اید الدین و اعز الاسلام و المسلمین بسلطنة من هو کافل لارزاق العباد و حافل در الاموال لاحیا و البلاد و صارت عتبه العلیه مقبلة بشفاة الاعاظم السلاطین و اضحت شهب سطوته علی سماء الملک رجوما للشیاطین و اصبح تراب سده المنیفة مسجدا للجهاب و امسی زلال نعمته الهنیة مورد الافواه و هو القان المعظم، الایلیخان الاعظم، مولا خواقین العالم، مالک رقاب الامم، سلطان السلاطین ظل الله فی الارضین، مطاع اهل الماء و الطین، محرز ممالک الدنیا، مظهر کلمة الله العلیا المنصور من السماء، المظفر علی الاعداء، کھف الثقلین، لطف الله فی الخافقین، الناصر لدین الله، القاهرة لاعداء الله،

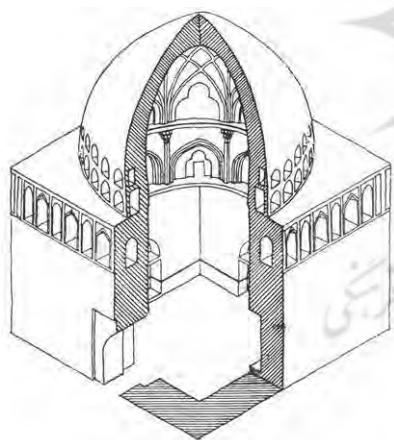
گوشه‌سازی‌ها صورت می‌گیرد؛ بنابراین در مرحله شکنج^۱، مردگردی در فاصله پاکار قوس گنبد و دیوار زیر آن ایجاد شده که فاصله قابل توجهی است. صحت وضعیت فوق را تصویر Shardin نیز کاملاً تأیید می‌کند؛ زیرا با دقت در طرح شاردن گوشه‌سازی‌های گنبد تشخیص داده می‌شود. ترمبه نیز هنگامی در بنای گنبد به کار می‌رود که فضای زیر گنبد چهارگوش باشد؛ آن‌چنان که در طرح Shardin نیز چنین دیده می‌شود (Shekari Niri, 2005, P. 79). اما دلایلی نیز برای استوانه‌ای‌بودن فرم آرامگاه وجود دارد:

۱. سیاح عثمانی، کاتب چلبی، برج شنب‌غازان را شبیه غلظه در قسطنطنیه نوشته است.^۲

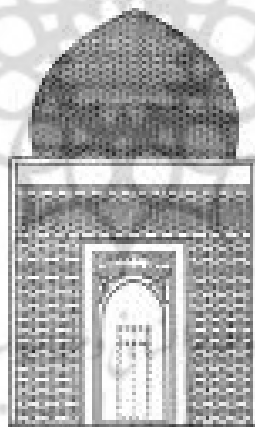
۲. مینیاتور برگرفته از جامع‌التواریخ که مهم‌ترین سند مصور برای بازآفرینی در نظر گرفته شده است، شکل مقبره، بدون شکستگی در نماست که می‌تواند نمایانگر نمای مکعب یا استوانه باشد.

۳. گراور ارائه‌شده توسط Shardin، نشان‌دهنده حجم هندسی عظیمی است که در یک دید روبه‌رو، هیچ‌گونه زاویه‌بندی یا شکستی در گوشه‌ها ندارد که در تعریف هندسی سایر بناها و حجم‌ها اتفاق افتاده است و می‌تواند بیانگر استوانه‌ای یا مکعبی‌بودن آن باشد.^۳

۴. براساس توصیفات تاریخ و صاف آنچه از سطح زمین آغاز می‌شود و مقداری بالا می‌آید [صفه] و سپس دیواری آجری روی آن قرار می‌گیرد، شامل حجم هندسی دایره است (Ayati, 1962, P. 299).



شکل ۱۸. مقبره سلطان سنجر در مرو
منبع: Balali Oskui, Keinejhad & Noghrekar, 2012



شکل ۱۷. مقبره سلطان غازان در مینیاتور جامع‌التواریخ
منبع: Ajurlo, 2014



شکل ۱۶. مقبره سلطان غازان در مینیاتور جامع‌التواریخ
منبع: Moradi, Musavi Haji & Omrani, 2016

الجیش و مهمات چندین روز متوالیا مشغول قطع اشجار آنجا شدند لیکن عشری از اعشار آنجا را نتوانستند قطع نمایند و سواد اشجار مثل اول نمایان بود الخ» (Nakhjavani, 1971, P. 38).
۳. البته اگر نوشته‌های Shekari Niri را مبنی بر ترمبه‌های بالای برج نادیده بگیریم..

۱. عمل تبدیل چهارضلعی به دایره را در گنبدسازی شکنج می‌نامند.
۲. حاج خلیفه کاتب چلبی در سال ۱۰۴۵ با قشون عثمانی به تبریز آمده در کتاب خود موسوم به جهان نما در عظمت این قبه و آبادی اطراف آن چنین نوشته: «عمارت موسوم بشام غازان مثل (قله غلظه) اسلامبول از میان باغ‌های با صفا و انبوه اشجار از مسافت بعیده نمایان بود کثرت باغ‌ها و اشجار بقدری بود که عساکر عثمانی برای سوق



شکل ۲۰. برج غلظه (گالاتای در ترکیه)
منبع: نگارندگان



شکل ۱۹. مقبره سلطان‌غازان
منبع: Zoka, 1989

ساختن مقبره‌ای برای خود اقدام می‌کند آرامگاه ابوسعید ابوخیبر است که دارای ایوان جلوی مقبره است. مشاهد مقدس امامین در عراق و امام رضا در مشهد نیز به دلیل تعداد زیاد زائران دارای ایوان بوده‌اند (Hamadānī, 1989, P. 208).

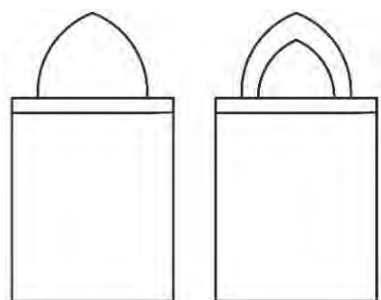
۳. مقبره رشیدالدین فضل‌الله همدانی در ربع رشیدی که معاصر با غازانیه است و از آن الهام گرفته است، دارای ایوان و پشت آن گنبدخانه بوده است (Balali Oskui, Keinejhad & Noghrekar, 2010).

۴. طرح مقبره در مینیاتور در شکل ۲۳ و ۲۴ که به صورت نماست، شباهت بسیاری به نمای مقبره بی‌بی خانم در سمرقند و بنای هارونیه دارد.

با توجه به آنچه بیان شد، نتیجه می‌گیریم پلان مقبره غازان‌خان چهارضلعی یا به احتمال دیگر مدور بوده است و به عبارتی حجم بنا تا گنبد روی آن مکعب مستطیل یا استوانه بوده و سپس گنبد روی آن قرار گرفته است. شاید هم نمای (قاب) مستطیلی ترسیم‌شده در مینیاتور مربوط به ایوان ورودی مقبره باشد و گنبد که از ایوان بلندتر است از پشت ایوان دیده شود. برای این ادعا نیز دلایلی وجود دارد:

۱. Chalabi در سفرنامه خود آورده است: «... سر گنبد آن به آسمان‌ها می‌خورد. اما موقعی که ما دیدیم یک طرف در این مقبره از زلزله خراب شده بود» (Chalabi, 1935, P. 276)؛ زیرا عبارت یک طرف درآورده است، ممکن است منظور نویسنده سردر و ایوان جلوی مقبره باشد.

۲. از جمله مقابری که غازان‌خان به زیارت آنها رفته و در جامع‌التواریخ نیز آمده است که بعد از زیارت این مقابر به



شکل ۲۲. طرح شماتیک از تناسبات ذکر شده در تاریخ وصاف
منبع: نگارندگان



شکل ۲۱. مقبره ابوسعید ابوخیبر
منبع: Balali Oskui, Keinejhad & Noghrekar, 2012



شکل ۲۴. مقبره بی بی خان در سمرقند
منبع: wikipedia



شکل ۲۳. بنای هارونیه
منبع: wikipedia

مقبره اولجایتو ۴۰/۲۴ متر است و با این تناسب گز در حدود ۲۵ سانتی متر می شود. طول حقیقی اضلاع مقبره ۱۵ متر است. حال اگر طول اضلاع را، که در متن کتاب ۶۰ گز ذکر شده است، در ۲۵ سانتی متر ضرب کنیم، حاصل ضرب ۱۵ متر می شود؛ یعنی اندازه فرضی گز به موجب این گفته صحیح است (Wilber, 1986, 137). براساس این نوشته هر گز را معادل ۲۵ سانتی متر در نظر می گیریم و اندازه ها را با مقبره تطبیق می دهیم:

- بلندی قبه ۵/۳۲ متر
- طول دیوار ۲۰ متر
- کتبه و شرفات قبه ۵/۲ متر
- طاس گنبد ۱۰ متر

این احتمال به دلیل در بر گرفتن گفته های پیشین محتمل تر است (Shardin) از مناری صحبت می کند که مدفن غازان خان است و Chalabi بیان می کند که یک طرف در آن فروریخته است. می توان استنباط کرد که این بنا در ابتدا به صورت ایوان دار (سردر مانند بناهای ذکر شده) بوده و سپس این سردر خراب شده و به شکل مناره و برج دیده می شود). در چاپ و ترجمه های فارسی کلمه گز معمولاً ذراع یا ذراع ترجمه شده و گاهی گز و ذراع را معادل ۱۸ اینچ دانسته اند، اما تصحیح کننده ایرانی تاریخ حافظ ابرو، گز را مساوی کرده یا تقریباً معادل ۳۰ سانتی متر می داند. در تاریخ وصاف در شرح مقبره اولجایتو آمده است که قطر گنبد آن ۱۰۰ گز است و هر ضلع آن ۶۰ گز طول دارد. در حقیقت قطر گنبد

سایر فضاها

درباره حمام (که به دلایل اقلیمی، سازه‌ای و کاربردی باید در زیرزمین باشد) و دارالشفا و حوض‌خانه در متون تاریخی مطلبی جز نام و اوقافی که برای آنها شده، نیامده است.^۱ درباره محله‌های شهر شنب‌غازان به دلیل نبود وقف‌نامه، مطالبی نوشته نشده یا دست‌کم نگارنده به مطالبی در این باره برخورد نکرده است، اما به طور یقین این شهر دارای محله‌های متعدد^۲ و خانه‌های مسکونی فراوان و زیبا بوده است؛ به طوری که حاج خلیفه کاتب چلبی در سال ۱۰۴۰ ه. ق خانه‌های شنب‌غازان را چنین توصیف می‌کند: «...بناهای عظیم شنب‌غازان مانند قلعه در میان باغچه‌ها از مسافت دور به نظر می‌رسد. سمت باختر و شمال و جنوب تپه مذکور جلگه وسیعی قرار گرفته که به دریاچه اورمیا منتهی می‌شود و تمام آبهایش بدان سمت جاری است و در همه جا خانه‌ها منقش و با شکوه و باغچه‌های ظریف صفا بخش...». همچنین درباره باغ‌های شنب‌غازان «و در هر طرف گلزارها و باغ‌های پردرخت و در هر گوشه آب‌های روان و نشیمن‌های فراوان وجود دارد. کثرت وسعت باغچه‌ها به اندازه‌ای است که سپاهیان بی‌شمار آل عثمان سه روز به بریدن درختان آن پرداختند، ولی نتوانستند عشر آن را قطع کنند و بسیار لطیف و به حدی فراوان بود که هنگام اقامت ما، هم افراد سپاه و هم مال و مواشی از آنان خوردند، ولی چندان نقصان در آن پیدا نشد» (Nakhjevani, 1971, P. 39). از این نوشته و دیگر گفته‌های سیاحان و مورخان چنین برمی‌آید که شنب‌غازان یک باغ‌شهر بوده است که به دلیل باغ‌ها و بستان‌های باصفای آن توجه پادشاهان را در دوره‌های مختلف به خود معطوف کرده بود.

مساحت سطح دایره گنبد ۵/۱۳۲ متر

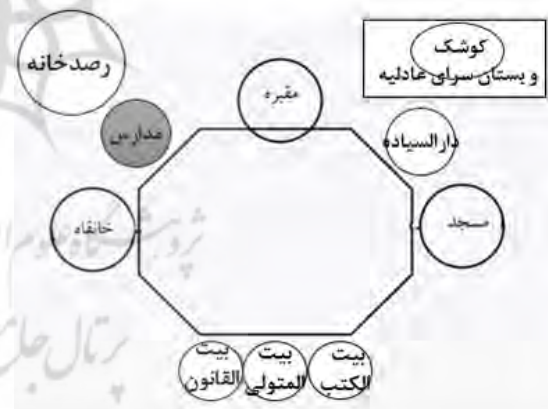
قطر دایره آن ۵/۱۲ متر

ضخامت دیوار ۷۵/۳ متر

به دلایل سازه‌ای گنبد مقبره غازی دوپوش بوده است تا ارتفاع بلند آن را که همه سیاحان و مورخان بر آن اذعان داشته و آن را گنبد عالی نام برده‌اند تأمین کند. با توجه به تناسبات گنبد و آرامگاه ذکر شده در تاریخ و صاف، به احتمال زیاد این اعداد برای گنبد کوچک داخلی است.

مدارس

Chalabi دو مدرسه حنفیه و شافعیه را در یک سمت ذکر می‌کند. اگر گنبد عالی را محور این سمت‌ها در نظر بگیریم، سمت دیگر مدرسه‌ها را قصر و بوستان عادلیه بیان می‌کند. بدین صورت مدارس در سمت چپ مقبره قرار می‌گیرند.

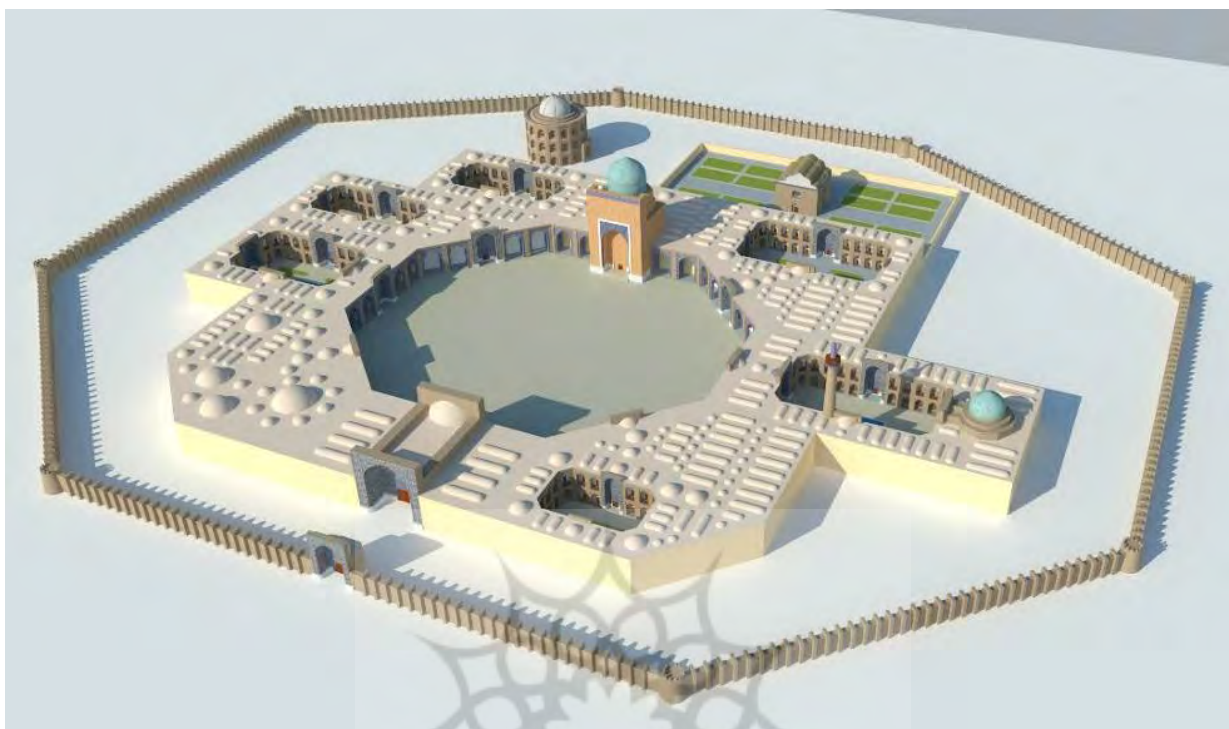


شکل ۲۵. جانمایی مدرسه‌ها در مجموعه

منبع: نگارندگان

۲. در جامع‌التواریخ از دلایل احداث شهرک‌های اقماری در اطراف تبریز جلوگیری از انباشت جمعیت در تبریز و رعایت اصول بهداشتی ذکر شده است؛ بنابراین شنب‌غازان باید دارای محله‌های مسکونی متعدد باشد.

۱. Çelebi به چاه آب نزدیک بناهای شنب اشاره می‌کند: «چاه بزرگی در این محل هست که عمق آن ده ذراع است. در ماه تموز (جولای) آبش مثل یخ است و این بنا و ساختمان آن یک بنای عجیب غریب است» (Çelebi, 1935, P. 29).



شکل ۲۶. طرح سه بعدی مجموعه ابواب البر شنبغازان
منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

شهرهای اسلامی که دچار انواع بحران‌های هویتی و اقتصادی و مدیریتی هستند، مطالعه تاریخ معماری و شهرسازی در طول دوران اسلامی ایران، با رویکرد تحلیل متون تاریخی و یافتن الگوی شهرسازی شهرهای ابواب‌البر به‌عنوان مظاهر تعامل تمدن ایران و فرهنگ اسلامی و معرفی دستاوردهای آن می‌تواند به‌عنوان یکی از زیرساخت‌های توسعه‌یافتگی و خدمات‌رسانی از لحاظ دینی و مادی، نقش عمده‌ای در عمران و آبادانی شهرها داشته باشد.

سپاسگزاری

این مقاله از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز استخراج شده است. صاحب پایان‌نامه لازم می‌داند مراتب تشکر صمیمانه خود را از استادان راهنما جناب آقای دکتر کی‌نژاد و خانم دکتر بلالی اسکویی و هیئت‌داوران پایان‌نامه که وی را در انجام و ارتقای کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام کند.

منابع مالی

منابع مالی این مطالعه توسط نویسندگان تهیه شده است.

تعارض منافع

این مقاله پژوهشی مستقل است که بدون حمایت مالی سازمانی انجام شده است. در انجام مطالعه‌ی حاضر، نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافی نداشته‌اند.

درباره مقابر دوره اسلامی، شأن والایی که مقبره از همراهی با بنیادهای وابسته به دست می‌آورد، بر این امر دلالت داشت که عملکرد آن تنها به مکانی برای تدفین یا یادبود محدود نمی‌شد. از این منظر، غازانیه جنبش ناگهانی ساختمان‌های ایلخانی به مرکزیت مقبره بانی آن است که در راستای رفع نیازهای حیاتی شهر و تثبیت هویت آن به وجود آمده بود. همچنین غازان‌خان و وزیر کاردان او با افزودن مفهوم وقف به مجموعه‌های معماری و آرامگاهی خود، سعی در جاودانگی نام خود و آثارشان داشتند. هدف و رویکرد اصلی در این تحقیق اتکا به دانسته‌های تاریخی و تطابق اصول معماری و شهرسازی ایلخانی و در مقیاس بزرگ‌تر معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی برای بازخوانی شهری با ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی غنی بود. حصول به این هدف، با نقد طرح‌های پیشین براساس متون تاریخی و بررسی چندباره نوشته‌ها و اسناد تاریخی، سفرنامه‌های جهانگردان مختلف و مینیاتورها همراه بود و این نتایج حاصل شد که شنب‌غازان یک شهر به محیط تقریبی ۶ کیلومتر دارای حصار و باروست. همچنین براساس نقاشی به‌عنوان منبع معماری، شکل ابواب‌البر مرکزی صحن هشت‌ضلعی غیرمنتظم است که در اطراف خود دارای رواق‌های طاق‌داری است که در جهت شرقی غربی دارای کشیدگی است. گنبد عالی نیز در مقایسه با جداره اطراف به طرف صحن پیش‌آمدگی دارد. همچنین آرامگاه غارانی یک بنای ایوان‌دار با گنبد دوپوش است که نمای (قالب) مستطیلی ترسیم‌شده در مینیاتور مربوط به ایوان ورودی مقبره است و گنبد که از ایوان بلندتر است از پشت ایوان دیده می‌شود. در پایان نیز باید یادآور شد، در جهان کنونی امروز به‌ویژه در کشورها و

References

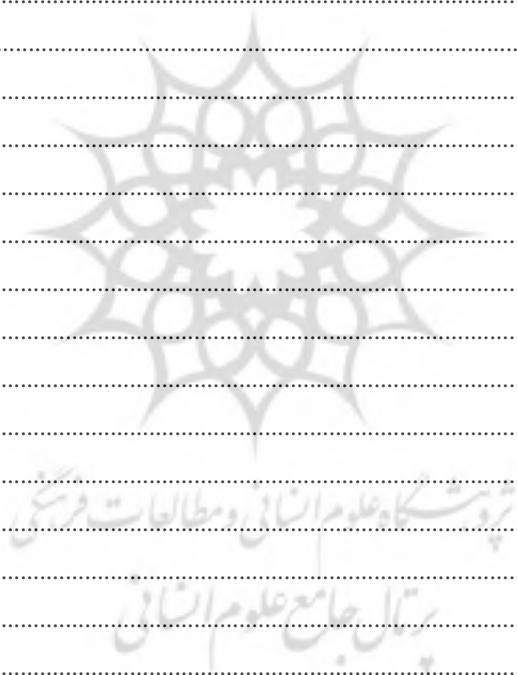
Ajurlo, B. (2014). A historical approach to urban planning and architectural collections of Tabriz in the Ilkhanid era. *Iranian Islamic Peiod History journal*. 4, 1-23. [in Persian]

Ayati, A. (1962). *Tarikh-i Wassaf*. Tehran: Iran culture institue. [in Persian]

Balali Oskui, A., Keinejhad., M., & Noghrekar. A. (2010). Hypothetical plan of Rashidi Raba

- and city. *International Journal of Soffeh*, 50, 51-76. [in Persian]
- Balali Oskui, A., Keinejhad., M., & Noghrekar. A. (2012). Spatial organization of Abvab-al-ber of the Ilkhanate. *Journal of Iran architecture studies*, 2, 47-63. [in Persian]
- Balilan Asl, L. (2009). Investigating the effect of roads on the formation of the structural system of Tabriz in the Qajar period. *Journal of Geography and Planning*, 14(29), 35-60. [in Persian]
- Brion. M. (1993). *Manam teymur jahangosha*. translated by Mansori. Z. Tehran: Mostofi.
- Çelebi E. (1935). *Seyahatnâme*, translated and corrected by Mr. Hossein Nakhjavani, vol.2, 1st edition, Eghdam press. [in Persian]
- Hamadānī R. (1989). *Jami al-Tawarikh*. Yan, K. ed., Isfahan: Porsesh press. [in Persian]
- Hamadānī R. (1994). *Jami al-Tawarikh*. Roshan. M. ed. Vol. 2, Tehran: Avanshr Alborz press. [in Persian]
- Ibn Battuta. (1991). *Ibn Battuta's Itinerary*. translated with Movahhed Mohammad Ali. Tehran: Aghah publication. [in Persian]
- Kashani, A. (1976). *Oljaito history*. translated and corrected by Hambeli. Tehran: M. Book translation and publishing company. [in Persian]
- Khwandamir, Gh. (1951). *Habib al-Siyar*. translated with Dabir Siaghi M, Tehran: Khayyam press. [in Persian]
- Kiani, M. (1987). *Iran cites*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [in Persian]
- Matragchi, N. (2000) The location of placements, translated with Raisiniya, M. Cultural heritage organization, [in Persian]
- Mohammadmoradi, A., & Jafarpour, S. (2013). Investigating the process of urban development during Ilkhanid period with an analysis of urban development of Tabriz. *International Journal of Architecture and Urbanism of Iran*, 6, 89-102. [in Persian]
- Moradi, A., Musavi Haji, R., & Omrani, B. (2016). Recognizing the Architectural Form of "Ghazan's Tomb" in "Abvab-Albar" collection of "Ghazaniyeh" and its Role in Iranian Urbanization Development. *international Journal of Baghnazar*, 42, 33-44. [in Persian]
- Mustawfi, H. (2002). *Nuzhat al-Qulub*. Siyaqi, D. ed. Tehran: Hadis-e-emruz publication. [in Persian]
- Nadir Mirza M. (1994) The history and geography of Tabriz, Tabatabayi Majd.Gh. ed, Sotudeh publication, Tabriz. [in Persian]
- Nakhjevani.H, (1971). *Chehel maghaleh, efforts of Khadem Hashemi Nasab Y*. Tabriz. khorshid Print House. [in Persian]
- Paskaleva, E. (2012). *The Silk Road*. International Institute for Asian Studies. GJ Leiden: Leiden Publication.
- Pope, A. U. (2003). *Persian Architecture*. translated with Sadri Afshar. Gh. Tehran: Akhtaran publication.
- Shardin, J. (1995). *Shardin's Itinerary*. translated with Yaghmayi, E., Vol. 2, Tehran: Tus publication.
- Shekari Niri. J. (2005). Findings of Shanb-e-Ghazan. *Fine arts journal*. 24, 73-80. Tehran. [in Persian]
- Türkman Monshi, E. (1984). *Alemaray Abbasi (1664)*, By Iraj Afshar. Tehran: Amir Kabir Press.
- Wilber, D. N. (1986). *Islamic Architecture during ilkhans*. translated with Faryar, A. Tehran: Cultural and scientific publication.
- www.wikipedia.org.
- Zoka, Y. (1989). *Earthquakes of Tabriz*. Tehran: Ketabsara publication.

یادداشت



The Architectural Formation and Establishment Arrangement of Heilevar Man-made Cave Settlement

Milad Alamdarlou*¹, Mahnaz Ashrafi², Ali Omranipour³

1. Master's student of Islamic Architecture, Imam Reza International University, Faculty of Islamic Art and Architecture, Mashhad, Iran
2. Assistant Professor of Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran
3. Assistant Professor, Faculty of Architecture and Art, University of Kashan, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2020/09/10;
Accepted: 2020/12/20;
Published Online 2020/12/30

 10.30699/athar.41.1.21

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Milad Alamdarlou

Master's student of Islamic Architecture, Imam Reza International University, Faculty of Islamic Art and Architecture, Mashhad, Iran

Email:

milad.alamdarlou@gmail.com

ABSTRACT

The formation of human settlement has always been based on natural factors such as water and soil and has been affected by various natural features, economic and other characteristics. Factors such as altitude, slope, rivers, climatic factors and lithology are some of which play a more effective role in this field. The aim of this study was to investigate the establishment status of Heilevar, historical settlement in terms of natural criteria and also the action of climatic factors on the type and style of architecture and the formation of its historical context. In the following, the study and recognition of effective historical elements in the appearance, formation and development of the Heilevar settlement in order to meet human needs during the life of the complex will be evaluated. For this reason, by using the information and resources available in libraries as well as the archives of the Cultural Heritage Organization of East Azerbaijan Province and also visiting the site of the studied historical settlement and finally, the descriptive research method analyzes the obtained data and the role of each factor in the location as well as the formation of the structure, elements and equipment of the Heilevar settlement are discussed. The results of the studies show that the above-mentioned natural factors such as topography, water resources, rich soil and suitable climate, have a significant influence on the location and formation and structure of the Heilevar settlement. According to the results of the research in the study of residence, the climate factor has a high impact, because it has been effective in the type and style of architecture of the historical complex (centralized and introverted architecture).

Keywords: Heilevar settlement, Establishment Arrangement, Troglodytic Architecture

Copyright © 2020. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Alamdarlou M, Ashrafi M, Omranipour A. (2020). Research in The Architectural Formation and Establishment Arrangement of Heilevar Man-made Cave Settlement. *Athar*. 41 (1), 28-51

مقاله پژوهشی

شکل‌گیری معماری و نظام استقرار سکونتگاه دستکند حيله‌ور

میلاد علمدارلو^{۱*}، مهناز اشرفی^۲، علی عمران‌پور^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، دانشکده هنر و معماری اسلامی، مشهد، ایران
۲. استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران
۳. استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، ایران

خلاصه

اطلاعات مقاله

شکل‌گیری سکونتگاه‌های انسانی همواره بر پایه عوامل طبیعی همچون آب و خاک مناسب استوار بوده و متاثر از ویژگی‌های متعدد طبیعی، اقتصادی و... بوده است. عواملی چون ارتفاع از سطح دریا، شیب بستر، رودخانه‌ها، عوامل اقلیمی و لیتولوژی نقش موثرتری در این زمینه ایفا می‌کنند. این پژوهش با هدف بررسی وضعیت استقرار سکونتگاه تاریخی حيله‌ور بر حسب معیارهای طبیعی و نیز تاثیر عوامل اقلیمی در نوع و سبک معماری و نحوه شکل‌گیری بافت تاریخی آن صورت گرفته است. در ادامه مطالعه و شناخت عناصر تاریخی اثرگذار در پیدایش و شکل‌گیری و توسعه سکونتگاه حيله‌ور در جهت رفع نیازهای انسان در دوران حیات مجموعه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این راستا با بهره‌گیری از اطلاعات و منابع موجود در کتابخانه‌ها و همچنین آرشیو سازمان میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی و مراجعه حضوری به سایت سکونتگاه تاریخی مورد مطالعه و در نهایت با استفاده از روش تحقیق توصیفی، به تحلیل داده‌های بدست آمده و نقش هر کدام از عوامل در مکان‌گزینی و نیز شکل‌گیری بافت و عناصر و تجهیزات سکونتگاه حيله‌ور پرداخته شده است. نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان می‌دهد که عوامل طبیعی فوق‌الذکر همچون توپوگرافی، منابع آبی، خاک غنی و آب و هوای مناسب، تاثیر چشمگیری در مکان‌گزینی و شکل‌گیری بافت سکونتگاه حيله‌ور دارند. طبق یافته‌های تحقیق در سکونتگاه مورد مطالعه، عامل اقلیم از وزن بالایی برخوردار می‌باشد چرا که در نوع و سبک معماری بافت تاریخی (معماری متمرکز و درونگرا) موثر بوده است.

دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۳۰

انتشار آنلاین: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

نویسنده مسئول:

میلاد علمدارلو

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، دانشکده هنر و معماری اسلامی، مشهد، ایران

پست الکترونیک:

milad.alamdarlou@gmail.com

کلیدواژه‌ها: سکونتگاه حيله‌ور، نظام استقرار، معماری دستکند

حق کپی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

علمدارلو میلاد، اشرفی مهناز، عمران‌پور علی (۱۳۹۹). شکل‌گیری معماری و نظام استقرار سکونتگاه دستکند حيله‌ور. فصلنامه علمی/اثر. ۴۱ (۱)، ۲۸-۵۱.

مقدمه

زمین کننده می‌شوند. در واقع، واژه مورد بحث واژه نوپایی است که چه بسا بیش از دیگر واژه‌ها تعریفی نسبتاً کامل از این آثار به دست دهد. این واژه از یک طرف بیانگر فعل «کندن» است که در فرهنگ فارسی معین به «حفر کردن زمین و مانند آن» معنی شده است؛ و از طرفی با اضافه شدن پیشوند «دست» به آن، بر عمل کندن به وسیله انسان تأکید دارد. اگر معماری را به مفهوم عام آن یعنی هنر ساماندهی و محصور کردن فضای خالی بنامیم، معماری دستکند در تعریفی متفاوت، هنر خلق و ایجاد فضای خالی از درون توده پر، معنا می‌شود. (Ashrafi, 2011) روستای میمند کرمان و روستای کندوان تبریز را می‌توان به عنوان دو نمونه معروف از مصادیق معماری دستکند ایران نام برد.

نیاز انسان به فضاهایی که بتواند در کنار یکدیگر پاسخگوی مقتضیات زیستی او باشد، در طول حیات وی همواره وجود داشته است. چیره شدن بر ناملایمات اقلیمی، معیشت، ابزارها و قابلیت زمین برای دخل و تصرف در آن، در کنار مسائل دیگری چون حفظ امنیت با کمترین هزینه، فاصله نسبت به سایر نقاط پیرامون و نوع ارتباط با آن‌ها و در نهایت تعامل مناسب با طبیعت که بشر حیات خود را مدیون به آن می‌داند، مواردی هستند که به شکل‌گیری و فرم کالبدی مجموعه‌های دستکند منجر شده است. حیلهور به عنوان نمودی از زیستگاه انسان به صورت معماری دستکند، و از شاهکارهای معماری واجد ارزش ایرانی است. این مجموعه معماری متشکل از چندین واحد دستکند (حدوداً ۴۸ قیه^۱) با عملکرد مسکونی و خدماتی مرتبط است که به طرز هنرمندانه‌ای گرد هم آمده‌اند. لکن با وجود اهمیت آن در سلسله آثار معماری دستکند ایرانی، کمیت و کیفیت منظر تاریخی و نحوه حفاظت آن در چارچوب نظام معماری ایرانی به وضوح مشخص نیست. لذا مطالعه عوامل موثر در نظام استقرار و نحوه شکل‌گیری و همچنین تأمل در سبک و نوع معماری کارا و منحصر به فرد آن در پژوهش

مکان‌های انسان ساخت به سه شکل اساسی با طبیعت مرتبط می‌باشند؛ نمایان‌سازی، تکمیل‌سازی و نمادین‌سازی و جوهی از فرآیند کلی استقرار یافتن هستند و سکونت در معنای وجودی کلمه به این عملکرد مربوط است. سکونت در مفهوم وجودی، هدف معماری است (Schultz, 30: 2012). عوامل متعددی در شکل‌گیری هسته اولیه روستاها دخیل می‌باشند. از جمله این عوامل می‌توان به منابع آبی، منابع اقتصادی، عوامل مذهبی، عوامل تاریخی، توپوگرافی، عوامل جوی و... اشاره کرد. با توجه به هر یک از عوامل مذکور سبک و نوع معماری روستا در جهت پاسخ به نیازهای بشری نمود پیدا می‌کند (Zargar, 2011). به جرات می‌توان گفت، این عوامل می‌توانند در مکان‌گزینی سکونتگاه‌های دستکند نیز نقش بسزایی ایفا کنند.

فضاهای دستکند یکی از گونه‌های شگفت‌انگیز معماری و در عین حال تجربه ارزشمند و هوشمندانه انسان برای سکونت محسوب می‌شود. این نوع از معماری که به شدت متأثر از محیط طبیعی پیرامون خود می‌باشد، با تئوری‌ها و نگرش‌های جدید، همچون توسعه پایدار قرابت زیادی دارد (Haghighat Naeini, 291: 2012). در زبان انگلیسی اصطلاح معادل "دستکند"، Man-made cave است؛ و واژه Troglodytic، برگرفته از اصطلاح مشابه فرانسوی آن یعنی Troglodytique، مفهوم جامع‌تری را در بر می‌گیرد. اگرچه واژه Troglodyte، در فرهنگ آکسفورد "انسانی که در غار زندگی می‌کند" معنا شده است، ولی این واژه در اصل واژه‌ای یونانی (Troglodyta) است. و از دو بخش (Trogle) به معنی "گودال و حفره" و (Dynien) به معنی "نفوذ کردن در داخل چیزی" تشکیل شده است. بدین ترتیب، واژه Troglodytic Architecture را می‌توان "معماری نفوذ یافته در درون حفره" معنا کرد. (Ashrafi, 2011)

در ایران اخیراً واژه «دستکند» به کار برده می‌شود، و منظور از آن کلیه آثار معماری است که در دل کوه و تپه یا

^۱ . خانه‌های دستکند حیلهور در اصطلاح محلی به "قیه" معروفند.